

بسیار دور بودن معنا کرده‌اند.^۴ ابن منظور با یادکرد از اسحاق ذیل ریشه «سحق»، آن را غیر عربی دانسته است.^۵ عهد عتیق سبب نام‌گذاری اسحاق را با خنده ابراهیم عليه السلام پیوند داده است. بشارت تولد اسحاق، با توجه به ۱۰۰ سالگی حضرت ابراهیم عليه السلام و ۹۰ سالگی همسرش ساره، مایه شگفتی و خنده او شد؛ ولی خداوند از حتمی بودن ولادت و خواندنش به این نام خبر داد.^۶ قرآن کریم خنده شگفت‌آمیز را به همسر ابراهیم، ساره، نسبت داده است. (هود/۱۱، ۷۱)^۷

◀ **زندگی‌نامه اسحاق عليه السلام: افزون بر عهد عتیق، قرآن کریم و منابع تاریخی، حدیثی، تفسیری و قصصی مسلمانان نیز به تاریخ زندگی حضرت اسحاق عليه السلام پرداخته‌اند. این گزارش‌ها در کنار برخی مشترکات، اختلاف نیز دارند. بر پایه گزارش عهد عتیق، حضرت ابراهیم عليه السلام در کهنسالی از نبود فرزندی که وارث وی باشد، پریشان‌خاطر بود. از این رو، خداوند وعده تولد اسماعیل و سپس اسحاق را به وی داد و به او مژده بخشید که نسل وی با آن دو بسیار گسترش خواهد یافت.^۸**

۴. العین، ج ۳، ص ۳۶؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۹۴؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۳۹، «سحق».

۵. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۲، ۱۵۵.

۶. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۷: ۱۵-۱۹.

۷. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۷۳.

۸. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۵: ۲-۴، ۱۶، ۲۰.

عبدالله الجوبنی (م. ۴۷۸ ق.)، به کوشش عبدالعظیم، دار المنهاج، ۱۴۲۸ ق؛ وسیلة النجاة: محمد تقی بهجت (م. ۱۴۳۰ ق.)، قم، شفق، ۱۴۲۳ ق؛ هیویات فقهیه: محمد سند بحرانی، به کوشش ماحوزی، قم، الاجتهاد، ۱۴۲۹ ق.

حمیدرضا خراسانی، رضا مختاری



اسحاق عليه السلام: دومین پسر ابراهیم عليه السلام، پیامبران و در زمره نیاکان بنی‌اسرائیل، ذبیح‌الله از دید یهودیان و برخی از مسلمانان




در باره عربی یا عبری بودن واژه اسحاق اختلاف است. بیشتر واژه‌نگاران آن را غیر عربی^۱ و در اصل برگرفته از واژه عبری «ایصحاق» (می‌خندد) دانسته‌اند.^۲ در برابر، برخی بدون اشاره به معنای لغوی، آن را واژه‌ای عربی و از ریشه «سحق» دانسته‌اند.^۳ به رغم این دیدگاه، فرهنگ‌نویسان عربی معمولاً بدون یادکرد از واژه اسحاق، «سَحَقَ» را به معنای کهنه کردن لباس و کوبیدن و «سُحِقَ» را

۱. الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۹۵؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۵؛ القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۴۴، «سحق».



۲. المعرب، ص ۱۲؛ قاموس کتاب مقدس، ص ۶۶؛ التحقيق، ج ۱، ص ۸۲، «اسحاق».






۳. المزهر، ج ۱، ص ۱۴۰؛ واژه‌های دخیل، ص ۱۱۹، «اسحاق».

تصویری نسبتاً مبهم ارائه داده و کمتر به او پرداخته‌اند.^۶

ازدواج اسحاق و تولد دو پسر همزاد به نام‌های «عیسو» و «یعقوب» پس از ۲۰ سال^۷، نابینا شدن اسحاق در ۱۳۷ سالگی، مرگ او در ۱۸۰ سالگی و به خاک سپرده شدنش در مقبره ابراهیم  مشهور به «مکنیله»، و جانشینی یعقوب  به جای وی از بخش‌های مهم زندگی حضرت اسحاق  به روایت عهد عتیق است.^۸

◀ ویژگی‌ها و شخصیت اسحاق :

حضرت اسحاق  دارای شخصیت و ویژگی‌های برجسته اعتقادی و رفتاری بود. او با عناوینی چون موحد، پیامبر الهی، دریافت‌کننده وحی، برخوردار از هدایت و رحمت ویژه خداوند، و انجام‌دهنده نماز و زکات و کارهای خیر معرفی شده است. (بقره/۲، ۱۳۳، ۱۳۶؛ آل عمران/۳، ۸۴؛ نساء/۴، ۱۶۳؛ انعام/۶، ۸۸-۸۴؛ مریم/۱۹، ۴۹-۵۰؛ انبیاء/۲۱، ۷۳) همچنین وی بشارت داده شده از سوی خداوند، عطیه الهی برای ابراهیم ، در زمره صالحان و پیشوایان الهی، برخوردار از نام و شهرت نیکو و برکت الهی، بصیر و نیرومند، عابد، یادکننده سرای آخرت، بنده

بر پایه آیات قرآن، بشارت تولد اسماعیل و اسحاق هنگامی صورت پذیرفت که حضرت ابراهیم  در پی رهایی از آتش نمرودیان، سرزمین آنان را به سوی شام ترک کرد.^۱ او از خدا خواست به وی فرزندان از زمره صالحان عطا فرماید. (انبیاء/۲۱، ۶۸-۷۲؛ صافات/۳۷، ۹۷-۱۰۱، ۱۱۲-۱۱۳) عهد عتیق و قرآن کریم با برخی تفاوت‌ها از بشارت تولد اسحاق در دوران کهنسالی حضرت ابراهیم  و ساره، ابراز شگفتی آن دو و خنده ناباورانه ساره و تأکید فرشتگان الهی بر حتمی بودن تحقق این بشارت، خبر داده‌اند.^۲ (هود/۱۱، ۷۱-۷۳؛ ابراهیم/۱۴، ۳۹؛ حجر/۱۵، ۵۳-۵۵؛ ذاریات/۵۱، ۲۸-۳۰) عهد عتیق تولد اسحاق را در ۱۰۰ سالگی ابراهیم  و ۱۴ سال پس از تولد اسماعیل دانسته^۳ و منابع اسلامی آن را پنج یا ۱۳ یا ۱۴ سال پس از تولد اسماعیل گزارش کرده‌اند.^۴ در روایت عهد عتیق، مصداق همه وعده‌های خدا درباره جانشینی، وراثت و فرمانروایی و تسلط نسل ابراهیم  بر سرزمین‌های موعود، اسحاق و یعقوب و پسران او معرفی شده‌اند.^۵ در برابر، از اسماعیل 

۱. الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۲۳.

۲. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۷: ۱۵-۱۹.

۳. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱۶؛ ۲۱: ۵.

۴. مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۹۱؛ ج ۸، ص ۷۱۰؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۶؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۳۲.

۵. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۶: ۳-۴؛ ۲۷: ۲۳-۲۹، ۳۶-۴۰؛ ۳۵: ۱۱-۱۲.

۶. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۶: ۱۲؛ ۱۷: ۲۰-۲۱.

۷. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۵: ۱۹، ۲۶.

۸. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۷: ۱؛ ۳۵: ۲۸-۲۹؛ قاموس کتاب

مقدس، ص ۱۱.

اسماعیل عليه السلام را پسر بزرگ ابراهیم عليه السلام و ۱۴ سال بزرگ تر از اسحاق عليه السلام معرفی کرده^۲، از فرمان الهی برای ذبح اسحاق به عنوان تنها پسر ابراهیم سخن گفته است.^۳

قرآن کریم بدون پرداختن به نام ذبیح و جزئیات دیگر رویداد، فقط بخش‌های مهم و گزیده آن را در مسیر اهداف هدایتی و تربیتی خود گزارش کرده است. اما مفسران با بهره‌گیری از روایت‌ها به جزئیات نیز پرداخته‌اند. (ع اسماعیل) بر پایه روایت قرآن، حضرت ابراهیم عليه السلام در پی رهایی از آتش نمرودیان، گفت که به سوی پروردگارش می‌رود و او وی را هدایت خواهد کرد. (صافات/۳۷، ۹۷-۹۹) آن‌گاه از خداوند خواست که فرزندی صالح به وی عطا فرماید و خداوند او را به نوجوانی صبور و بردبار بشارت داد. با رسیدن آن پسر به سن نوجوانی، ابراهیم عليه السلام در خواب دید که سر او را می‌برد. چون نظر پسرش را در این زمینه جویا شد، او پدرش را به امثال فرمان الهی دعوت کرد و به او وعده صبر و بردباری داد:

﴿وَقَالَ... رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ * فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا آبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾

۲. نک: کتاب مقدس، پیدایش، ۱۷: ۱-۲۲.

۳. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۲: ۲.

برگزیده و نیک خداوند، و یکی از افراد برتر در میان جهانیان خوانده شده است. (انعام/۶، ۸۶؛ هود/۱۱، ۷۱؛ ابراهیم/۱۴، ۳۹؛ مریم/۱۹، ۴۹-۵۰؛ انبیاء/۲۱، ۷۲-۷۳؛ صافات/۳۷، ۱۱۲-۱۱۳؛ ص/۳۸، ۴۵-۴۷)

◀ ذبیح بودن اسحاق عليه السلام: عهد عتیق

اسحاق عليه السلام را ذبیح خوانده و هدف ذبح وی را امتحان ابراهیم عليه السلام به سبب دلبستگی فراوانش به اسحاق عليه السلام و محل ذبح را سرزمین «موریا» معرفی کرده است. آن‌گاه که آن دو پس از سه روز به سرزمین «موریا» رسیدند، ابراهیم پس از ساختن قربانگاه، دستان اسحاق عليه السلام را بست و او را روی هیزم قرار داد. اما چون خواست وی را ذبح کند، ندای فرشته الهی را شنید که از ابراهیم عليه السلام می‌خواست تا به اسحاق آسیب نرساند؛ زیرا ثابت شد که او فرمانبر خدا است و یگانه پسرش را از وی دریغ نکرد. آن‌گاه ابراهیم عليه السلام قوچی را دید که شاخ‌هایش به بوته‌ای گیر کرده است. آن را گرفت و به جای اسحاق قربانی کرد. ابراهیم عليه السلام آن مکان را «یهوه یری» به معنای «خداوند تدارک می‌بیند» نامید که تا امروز به این نام مشهور است. خداوند به پاداش این فرمان‌پذیری، سوگند یاد کرد که نسل ابراهیم را بی‌شمار، آنان را بر دشمنانشان پیروز و مایه برکت اقوام جهان گرداند.^۱ عهد عتیق به رغم این که

۱. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۲: ۱-۱۹.

(صافآت/۳۷، ۱۰۰-۱۰۲) هنگامی که هر دو در برابر فرمان الهی تسلیم شدند و ابراهیم علیه السلام پیشانی پسرش را بر خاک نهاد، ندای الهی را شنید که از تحقق بخشیدن وی به رؤیای خویش و انجام فرمان الهی خبر می‌دهد و این که خداوند بدین گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهد. قرآن کریم ذبح فرزند را آزمونی بزرگ و آشکار نامیده، از فدیة دادن ذبحی عظیم به جای پسر ابراهیم علیه السلام سخن می‌گوید: ﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ * وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ (صافآت/۳۷، ۱۰۳-۱۰۷) (← اسماعیل)

قرآن کریم درباره نام این ذبح ساکت است. از همین رو، در نام وی اختلاف کرده‌اند. گروهی از مفسران نخستین^۱، همه مفسران شیعه^۲ و برخی از مفسران اهل سنت^۳ حضرت اسماعیل علیه السلام و گروهی دیگر از مفسران نخستین^۴ و بیشتر اهل سنت^۵ هماهنگ

۱. نک: جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰.
 ۲. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۷-۵۱۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۲؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۲۲.
 ۳. تفسیر بیضاوی، ج ۵، ص ۲۱؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۶؛ اضواء البیان، ج ۶، ص ۳۱۷.
 ۴. نک: جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰.
 ۵. تفسیر مجاهد، ج ۲، ص ۵۴۳؛ جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۶؛ تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵.

با گزارش کتاب مقدس^۶ حضرت اسحاق علیه السلام را ذبیح دانسته‌اند. هر یک از دو گروه به ادله‌ای از قرآن و روایت‌ها استناد کرده‌اند. ادله ذبیح بودن حضرت اسماعیل علیه السلام بیشتر و قوی‌تر است؛ از جمله آن که قرآن کریم در آغاز بشارت تولد «غلام حلیم» و رویداد ذبح وی و سپس بشارت تولد اسحاق علیه السلام را به میان آورده است. (صافآت/۳۷، ۱۰۰-۱۱۲) اگر «غلام حلیم» و «ذبیح» همان اسحاق علیه السلام باشد، بشارت مربوط به وی تکراری جلوه می‌کند. روایت نبوی «أنا ابن الذبیحین»، معرفی اسماعیل علیه السلام به عنوان ذبیح در حدیث‌ها و دعاهای نقل شده از پیشوایان معصوم علیهم السلام و زندگی حضرت اسماعیل علیه السلام در مکه از جمله ادله ذبیح بودن او است. (← ذبیحین)

مفسرانی که «غلام حلیم» و «ذبیح» را اسحاق علیه السلام دانسته‌اند، در ذیل آیات مربوط، جزئیات قربانی کردن او را گزارش کرده‌اند.^۷ بر پایه روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام، حضرت اسحاق علیه السلام همراه مادر و خانواده‌اش برای گزاردن مناسک حج به مکه آمده بود. پس از رمی جمرات، حضرت ابراهیم علیه السلام ساره و دیگران را برای انجام دادن ادامه مناسک به مکه فرستاد و اسحاق علیه السلام را نزد خود نگاه داشت.

۶. کتاب مقدس، پیدایش، ۲۲: ۲-۱۳.
 ۷. نک: تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵؛ جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۰-۹۸.

باورمندان به ذبیح بودن حضرت اسحاق علیه السلام با ارائه ادله برای اثبات دیدگاه خود، دلیل‌های دیدگاه مقابل را نقد کرده‌اند. ادله آن‌ها عبارتند از:

۱. به اعتقاد طبری «غلام حلیم» که قرآن کریم بشارت تولد و ماجرای ذبح شدن او را گزارش کرده (صافات/۳۷، ۱۰۱-۱۰۷)، همان اسحاق علیه السلام است؛ زیرا در آیات دیگر، هر جا که از بشارت تولد فرزند به ابراهیم علیه السلام سخن رفته، مقصود اسحاق علیه السلام است (هود/۱۱، ۷۱؛ حجر/۱۵، ۵۳-۵۵؛ صافات/۳۷، ۱۱۲؛ ذاریات/۵۱، ۲۸-۲۹) اما در هیچ آیه‌ای به صراحت از بشارت تولد حضرت اسماعیل علیه السلام یاد نشده است.^۲ از دیدگاه مفسران معتقد به ذبیح بودن اسماعیل، ظاهر این آیات و تدبیر در آن‌ها بر ذبیح بودن اسماعیل و نه اسحاق دلالت می‌کند. همچنین اگر «غلام حلیم» و «ذبیح» همان اسحاق باشد، بشارت درباره وی تکراری است.^۳

۲. در استدلال دیگر بر پایه آیه ۹۹ صافات/۳۷ گفته‌اند: مقصود از «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي» رفتن ابراهیم علیه السلام به شام است. در این هنگام، هنوز ابراهیم و ساره با هاجر آشنا نشده بودند. بر این اساس، فرزند درخواستی ابراهیم علیه السلام جز پسر ساره نمی‌تواند باشد.^۴ این

سپس در محل جمره وسطی او را از رؤیای خود برای ذبح وی آگاه ساخت. اسحاق علیه السلام با سفارش به پدر برای پذیرش فرمان الهی، از وی خواست تا پیش از ذبح دست و پای او را ببندد و چهره وی را بپوشاند. ابراهیم علیه السلام از این کار خودداری کرد. هنگامی که خواست اسحاق علیه السلام را ذبح کند، جبرئیل او را کنار کشید و قوچی را به جای او قرار داد. در این گزارش، از تلاش‌های نافرجام ابلیس یاد شده که در شکل پیرمردی برای جلوگیری از ذبح اسحاق و شیطانی خواندن رؤیای ابراهیم کوشید. او پس از ناامید شدن از ابراهیم علیه السلام و اسحاق علیه السلام به سراغ ساره رفت و از قصد ابراهیم برای ذبح اسحاق خبر داد. ساره، ابراهیم علیه السلام را مهربان‌ترین مردم و شیطان را دروغگو خواند. هنگامی که شیطان از تصور ابراهیم علیه السلام درباره این مأموریت الهی خبر داد، ساره بر لزوم اطاعت از فرمان الهی تأکید کرد. ساره پس از پایان مناسک به سرعت روانه منا شد و با این گمان که شاید این رویداد گونه‌ای کیفر الهی باشد، از خداوند خواست که وی را به سبب رفتار نامهربانانه‌اش با مادر اسماعیل علیه السلام مجازات نکند. بر پایه این گزارش، هنگامی که ساره نزد اسحاق علیه السلام رسید، با دیدن اثر کارد بر گلوی او ترسید و بیمار شد و بر اثر همین بیماری درگذشت.^۱

۲. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۳. المیزان، ج ۷، ص ۲۲۲.

۴. الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۰۱.

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲۴، ۲۲۶؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۵-۳۲۶.

استدلال مخدوش است؛ زیرا نبود هاجر در آن هنگام و نیز تصور ابراهیم علیه السلام برای ولادت فرزند موعود از ساره، لزوماً ادعای یاد شده را ثابت نمی‌کند.

۳. برخی از حدیث‌های منسوب به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام بر ذبیح بودن اسحاق دلالت دارند.^۲ منکران ذبیح بودن اسحاق، این روایت‌ها را شاذ، ناسازگار با ظاهر آیات و معارض با روایت‌های دلالت‌کننده بر ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام دانسته و از جعلی بودن و اثرپذیری آن‌ها از اسرائیلیات سخن گفته‌اند.^۳ علامه مجلسی با طرح احتمال شهرت بیشتر ذبیح بودن اسحاق در میان دانشوران اهل سنت معاصر با زمان صدور این روایت‌ها، صدور آن‌ها را از سر تقیه ممکن دانسته است.^۴

۴. در برخی حدیث‌ها از نامه یعقوب علیه السلام خطاب به عزیز مصر یاد شده که در آن، خود را فرزند اسحاق ذبیح الله معرفی کرده است.^۵ این روایت که از وهب بن منبه^۶، امام باقر^۷ و

امام صادق علیه السلام^۸ گزارش شده، غیر معتبر خوانده شده است.^۹

۵. اجماع اهل کتاب بر ذبیح بودن اسحاق علیه السلام دلیل دیگری است که به آن استناد شده است.^{۱۰} معتقدان به ذبیح بودن اسماعیل علیه السلام حجیت این اجماع را رد کرده‌اند.^{۱۱} این کثیر با اشاره به تناقض موجود در گزارش عهد عتیق (← همین مقاله، گزارش عهد عتیق) از تحریف آن به دست یهود و جایگزینی اسحاق علیه السلام به جای اسماعیل علیه السلام به سبب حسادت آنان به عرب‌ها سخن گفته است.^{۱۲} تحریف یاد شده با انگیزه حسادت از برخی دانشوران یهودی مسلمان شده نیز روایت گشته است.^{۱۳} بر این اساس، عهد عتیق از یک سو اسماعیل علیه السلام را نخستین و بزرگ‌ترین پسر ابراهیم علیه السلام معرفی کرده و از سوی دیگر، از فرمان خداوند برای ذبح یگانه پسرش که اسحاق علیه السلام باشد، خبر داده است. یهودیان در تأویل این تناقض، با اشاره به زندگی اسماعیل در مکه، اطلاق «پسر یگانه» بر اسحاق را به این سبب دانسته‌اند که فقط او

۱. نک: جامع البیان، ج ۲۳، ص ۹۶. الکامل، ج ۱، ص ۱۰۸.
 ۲. نک: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۱. الامالی، ص ۴۵۶-۴۵۷؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۱.
 ۳. البداية و النهايه، ج ۱، ص ۱۸۳؛ الصحيح من سيرة النبي، ج ۲، ص ۴۷.
 ۴. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۵.
 ۵. تفسیر مقاتل، ج ۲، ص ۱۴۱؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۵.
 ۶. تخریج الاحادیث، ج ۳، ص ۱۷۹-۱۸۰.
 ۷. الامالی، ص ۴۵۶-۴۵۷.

۸. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۱.
 ۹. تفسیر بیضاوی، ج ۵، ص ۲۱.
 ۱۰. نک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۳.
 ۱۱. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۳؛ روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۳۰.
 ۱۲. تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۶.
 ۱۳. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۳.

(ذاریات/۵۱، ۲۸؛ حجر/۱۵، ۵۳) بر همین اساس، مقاتل بن سلیمان با اعتقاد به ذبیح بودن اسحاق علیه السلام، حلیم را به علیم تفسیر کرده است.^۵

۲. منکران ذبیح بودن اسحاق به پشتوانه بشارت تولد یعقوب همراه بشارت تولد اسحاق علیه السلام (هود/۱۱، ۷۱) آن را با فرمان الهی برای ذبح اسحاق ناسازگار دانسته‌اند؛ با این استدلال که حضرت ابراهیم علیه السلام می‌دانست اسحاق علیه السلام زنده خواهد ماند و یعقوب علیه السلام از وی زاده خواهد شد.^۷ باورمندان به ذبیح بودن اسحاق علیه السلام گفته‌اند: شاید فرمان ذبح وی پس از تولد یعقوب علیه السلام بوده باشد.^۸ اما این پاسخ به پشتوانه نوجوان بودن ذبیح در زمان قربانی رد شده است؛ زیرا هنگام نوجوانی اسحاق علیه السلام امکان تولد یعقوب علیه السلام وجود نداشت.^۹

۳. برخی به پشتوانه آویخته بودن سر خشکیده قوچ قربانی شده در کعبه برای سال‌های دراز و زندگی اسحاق در شام، ذبیح بودن وی را رد کرده‌اند.^{۱۰} در پاسخ به این

نزد ابراهیم علیه السلام مانده بود.^۱

معتقدان به ذبیح بودن اسحاق، به ادله دیدگاه مقابل چنین پاسخ داده‌اند:

۱. بر پایه استدلال کسانی که «غلام حلیم» را بر اسماعیل تطبیق کرده‌اند، قرآن کریم پس از گزارش درباره بشارت تولد «غلام حلیم» و ماجرای ذبح وی، درباره ولادت حضرت اسحاق علیه السلام بشارت داده است. (صافات/۳۷، ۱۰۱-۱۰۷، ۱۱۲) پس اسحاق علیه السلام نمی‌تواند آن «غلام حلیم» و ذبیح باشد؛ زیرا این بشارت درباره وی تکراری خواهد شد.^۲ در پاسخ به این استدلال، بشارت درباره اسحاق را مربوط به نبوت و نه ولادت وی دانسته و گفته‌اند: چون ایشان از امتحان قربانی شدن سربلند بیرون آمد، خداوند نبوت او را بشارت داد.^۳ باورمندان به ذبیح بودن اسماعیل، این معنا را خلاف ظاهر آیه دانسته‌اند.^۴ افزون بر این، اسحاق علیه السلام بر خلاف اسماعیل علیه السلام نه تنها در هیچ جای قرآن با وصف حلیم یاد نشده، بلکه دو بار با ویژگی «علیم» وصف شده است.

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۶؛ الصحيح من سیرة النبی، ج ۲، ص ۴۷-۴۸.

۲. الکشاف، ج ۲، ص ۳۵۱؛ اضواء البیان، ج ۶، ص ۳۱۷؛ المیزان، ج ۷، ص ۲۲۲.

۳. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۲؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۹۸.

۴. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۳؛ روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۳۰.

۵. اضواء البیان، ج ۶، ص ۳۱۸.

۶. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۱۰۴.

۷. التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ تفسیر بیضاوی، ج ۵، ص ۲۱.

۸. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۲؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۷؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۹۸.

۹. التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴.

۱۰. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۳؛ الکشاف، ج ۳، ص ۳۵۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۴.

استدلال، از امکان انتقال سر قوچ از شام به مکه یا روی دادن ماجرای ذبح اسحاق علیه السلام در شام یاد شده است.^۱

وجود دو دیدگاه گوناگون درباره هویت ذبیح، به ویژه وجود دو دسته حدیث در این زمینه، سبب شده است تا برخی از احتمال ذبیح بودن اسماعیل و اسحاق، یکی در مکه و دیگری در شام، سخن گویند^۲ و شماری دیگر مانند قرطبی نامعلوم بودن هویت ذبیح را پیش کشند.^۳ بر همین اساس و برای جمع میان حدیث‌های متضاد، شیخ صدوق با ارائه تفسیری نادر از یک روایت مشهور نبوی، از دو ذبیح، یکی حقیقی و دیگری مجازی، سخن گفته است. بر پایه این روایت، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله خود را پسر دو ذبیح خوانده و بدان افتخار کرده است: «أنا ابن الذبیحین»^۴ بیشتر دانشمندان مقصود از ذبیح نخست را اسماعیل علیه السلام و ذبیح دوم را عبدالله پدر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند. (← ذبیحین)

شیخ صدوق در تفسیری متفاوت، «دو ذبیح» را اشاره به اسماعیل و اسحاق علیه السلام دانسته است. وی به پشتوانه روایتی منسوب به

امام صادق علیه السلام گفته است: هنگامی که اسحاق علیه السلام تولد یافت و از ماجرای ذبح اسماعیل علیه السلام آگاه شد، آرزو کرد که ای کاش وی به جای اسماعیل علیه السلام بود و همانند او با صبر و بردباری و تسلیم شدن در برابر فرمان الهی، به همان مقام و پاداش دست می‌یافت. خداوند به سبب این آرزوی صادقانه، اسحاق علیه السلام را در میان فرشتگان ذبیح نامید. شیخ صدوق درباره چگونگی اطلاق پدر بر حضرت اسحاق علیه السلام از سوی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به پشتوانه آیه ۱۳۳ بقره/۲ و روایتی نبوی، اطلاق پدر بر عمو را در زبان عربی جایز دانسته است. بر پایه آیه یاد شده، حضرت اسماعیل علیه السلام پدر حضرت یعقوب علیه السلام خوانده شده است.^۵ علامه مجلسی نیز به شرط نبود اجماع بر ذبیح بودن یکی از دو نفر، این دیدگاه را به منزله یکی از دو راه حل برای جمع میان روایت‌های متعارض پیشنهاد کرده است.^۶ این دیدگاه بر خلاف تفسیر مشهور دانشمندان از روایت یاد شده است. برخی در نقد این دیدگاه، اطلاق پدر بر عمو را فقط با فاصله زمانی نزدیک و نه با فاصله چندین نسل، روا دانسته‌اند.^۸ نتیجه آن که ادله ذبیح

۱. جامع البیان، ج ۲۳، ص ۱۰۳؛ التفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۵۵.

۲. روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۳۰.

۳. نک: تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۰۱.

۴. الامالی، ص ۴۵۶؛ الخصال، ص ۵۵؛ المناقب، ج ۲، ص ۲۴۴.

۵. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۳۳؛ التبیان، ج ۸، ص ۵۱۸؛ التفسیر الکبیر،

ج ۲۶، ص ۱۵۳.

۶. الخصال، ص ۵۸؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۹۱؛ بحار الانوار،

ج ۱۲، ص ۱۲۴.

۷. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۵.

۸. الصحیح من سیرة النبی، ج ۲، ص ۴۴.

البداية و النهاية: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، به كوشش على شبرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۸ق؛ التبيان: الطوسى (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش العالمى، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ التحقيق: المصطفى، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش؛ تخریج الاحاديث و الآثار: الزيلعى (م. ۷۶۲ق.)، به كوشش عبدالله، رياض، دار ابن خزيمه، ۱۴۱۴ق؛ تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم): ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، به كوشش مرعشلى، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق؛ تفسير بيضاوى (انوار التنزيل): البيضاوى (م. ۸۵ق.)، بيروت، دار الفكر؛ تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن): القرطبي (م. ۷۱ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵ق؛ تفسير القمى: القمى (م. ۳۰۷ق.)، به كوشش الجزائرى، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ التفسير الكبير: الفخر الرازى (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبليغات، ۱۴۱۳ق؛ تفسير مجاهد: مجاهد (م. ۱۰۲ق.)، به كوشش عبدالرحمن بن محمد، اسلام آباد، مجمع البحوث الاسلاميه؛ تفسير مقاتل بن سليمان: مقاتل بن سليمان (م. ۱۵۰ق.)، به كوشش احمد فريد، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۴ق؛ جامع البيان: الطبرى (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش صدقى جميل، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفارى، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۶ق؛ الدر المنثور: السيوطى (م. ۹۱۱ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ روح المعانى: الأوسى (م. ۱۲۷۰ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ الصحاح: الجوهري (م. ۳۹۳ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ق؛ الصحيح من سيرة النبى صلى الله عليه وآله وسلم: جعفر مرتضى العالمى، بيروت، دار السيره، ۱۴۱۴ق؛ العين: خليل (م. ۱۷۵ق.)، به كوشش المخزومى و السامرائى، دار الهجره،

بودن اسحاق عليه السلام در مقايسه با اسماعيل عليه السلام چندان استوار نيستند. همچنين روايت عهد عتيق به رغم ذبيح خواندن اسحاق، داراى نشانه‌هاى گوناگون درونى است كه ادعاى ياد شده را دچار چالش مى‌كند.

قرآن كريم هر چند به رسم خود در روايت‌هاى تاريخى، به جزئياتى چون نام ذبيح و هنگام و مكان رويداد ذبح نپرداخته، با گزارش بخش‌هاى گزيده اين رويداد، صبغه و تحليل توحيدى آن را برجسته كرده است. ظاهر اين آيات، ذبيح بودن اسحاق عليه السلام را برنمى‌تابد. مى‌توان گفت كه قرآن كريم با نگرش توحيدى محض و فرائزادى در روايت رخداده‌ها و براى تعليم اين نگرش به مخاطبان خويش و برچيدن زمينه‌هاى تفاخر، برترى‌جوئى و ستيز فكري و دينى، عامدانه از تعيين صريح نام ذبيح خوددارى كرده است. بررسی آيات نشان مى‌دهد كه ذبيح بودن اسحاق عليه السلام يا اسماعيل عليه السلام تفاوتى در اهداف و نتايج توحيدى اين رويداد عظيم ايجاد نمى‌كند.

◀ منابع

اضواء البيان: محمد امين الشنقيطى (م. ۱۳۹۳ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ الامالى: الطوسى (م. ۴۶۰ق.)، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق؛ بحار الانوار: المجلسى (م. ۱۱۱۰ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق؛

أسد بن خزيمة: از متولیان خانه خدا در روزگار جاهلیت

اسد بن خزيمة بن مُدرکه از عرب عدنانی است.^۱ پدرش جد چهاردهم رسول خدا ﷺ و از داوران عرب بود.^۲ بر پایه گزارشی، پدرش نخستین کسی بود که بت هبل را بر کعبه نصب کرد. از این رو، به آن «هبل خزيمة» گفته می‌شد.^۳ این گزارش با یکتاپرستی نیاکان پیامبر ﷺ سازگاری ندارد.^۴ نیز مشهور است که بت هبل را عمرو بن لحي خزاعی از شام آورد و در خانه خدا نصب کرد.^۵ خزيمة فرزندان دیگری به نام‌های کینانه، أسده و هون نیز داشت.^۶ مادر اسد، بَرّه دختر مُرّه بن اَد بن طابخه بود.^۷ اسد را مردی بزرگوار دانسته‌اند.^۸ وی پس از آل ضبّه از عرب عدنانی، متولی خانه خدا شد.^۹ از مدت تولیت او و رویدادهای دوران وی و هنگام مرگش آگاهی در دست نیست.

۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۵۳؛ جمهرة انساب العرب، ص ۴۷۹؛ معجم قبائل العرب، ج ۱، ص ۲۱.
۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ الانساب، ج ۱، ص ۱۴.
۳. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۹.
۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۳؛ الاضنام، ص ۱۲۳.
۵. التنبیان، ج ۴، ص ۱۷۵؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۲۹.
۶. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۷۷؛ الروض الانف، ج ۱، ص ۳۶۴؛ البداية و النهاية، ج ۲، ص ۱۹۱.
۷. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۱.
۸. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۲۹؛ معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۳۲.
۹. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۵۲.
۱۰. اخبار مکه، ج ۵، ص ۱۵۱؛ شفاء الغرام، ج ۲، ص ۵۱-۵۲.

۱۴۰۹ق؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۴ق؛ قاموس الكتاب المقدس: بطرس عبدالملک و دیگران، قاهره، دار الثقافه، ۱۹۹۴م؛ القاموس المحيط: الفيروزآبادی (م. ۸۱۷ق.)، بیروت، دار العلم؛ الكامل فی تاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ الكتاب المقدس: بیروت، دار الكتاب المقدس فی الشرق الاوسط، ۱۹۹۳م؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، مصطفی البابی، ۱۳۸۵ق؛ کنز الفوائد: الکرآجکی (م. ۴۴۹ق.)، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۴۱۰ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلامی، ۱۴۱۵ق؛ المزهر فی علوم اللغه: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش احمد جاد، بیروت، دار الفکر؛ معجم مقاییس اللغه: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ المعرب من الکلام الاعجمی: الجوالیقی (م. ۵۴۰ق.)، به کوشش خلیل عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از استادان، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلامی، ۱۳۹۳ق؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید: آرتور جفری، ترجمه: بدره‌ای، توس، ۱۳۷۲ش.

علی اسدی



اسدال ← پوشاندن صورت